

بررسی مقایسه‌ای رویکرد سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما و ترامپ در منطقه آسیای شرقی

شایان جوزانی کهن*

شاهین جوزانی کهن**

چکیده

«سیاست موازنه مجدد» اوباما در منطقه آسیای شرقی با هدف بازتعریف منافع، تهدیدات و راهبردهای سیاسی، اقتصادی و نظامی پیگیری شد. با روی کار آمدن دونالد ترامپ، موازنه مجدد جای خود را به سیاست «نخست آمریکا» داد که در آن منافع ایالات متحده بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار گرفت. پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که «سیاست موازنه مجدد» اوباما و «سیاست نخست آمریکا» ترامپ چگونه در جهت ارتقای منافع آمریکا در آسیای شرقی پیگیری شده است؟ در پاسخ به این پرسش، نگارندگان معتقدند که سیاست موازنه مجدد با اتخاذ رویکردی چندجانبه‌گرایانه و تمرکز بر جلوگیری از رشد اقتصادی و نظامی چین، با هدف اجماع‌سازی میان کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده در آسیای شرقی دنبال شده است؛ درحالی که سیاست‌های ترامپ با رویکردی یک‌جانبه‌گرایانه در حوزه اقتصاد و چندجانبه‌گرایانه در حوزه‌های نظامی و سیاسی و با تمرکز بر بحران شبه‌جزیره کره، در راستای بسط رقابت منطقه‌ای با چین در این منطقه پیگیری می‌شود. در این مقاله روش پژوهش «تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای» بوده و با بهره‌گیری از مکتب کپنهاگ تلاش شده است که با تبیین و تحلیل سیاست‌های اوباما و ترامپ در آسیای شرقی، به بررسی تمایز، وجوه مشترک و رویکردهای هر یک پرداخته، جهت‌گیری جدید سیاست خارجی ایالات متحده را در دوره ترامپ در منطقه آسیای شرقی ترسیم نماید.

واژه‌های کلیدی: موازنه مجدد، ایالات متحده، ترامپ، اوباما و چین.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای شرقی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران؛ (نویسنده مسئول)
shayanjozani@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و پژوهشگر مهمان پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه وزارت امور خارجه، تهران؛
Jozanikohanshahin@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌ونهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۵۲-۱۲۵

مقدمه

ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما با توجه بیشتر به منطقه آسیای شرقی به عنوان موتور محرکه اقتصاد جهانی و گسترش روزافزون تأثیرگذاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی چین بر محیط پیرامونی، بر این منطقه تمرکز کرد و در این مسیر بر افزایش نقش کشورهای همسو با سیاست‌های خویش در موضوعات منطقه‌ای در آسیای شرقی تأکید نمود. آمریکا در سیاست اعلامی خود در این زمان اظهار می‌کرد که چین با حمایت‌های دولتی از تجارت خود و اقداماتی نظیر کاهش ارزش یوان^۱ برای پایین آوردن قیمت صادرات خود، رعایت نکردن استانداردهای محیط زیستی و حقوقی کارگران، سبب تولید ارزان شده و در عمل رقابتی را به وجود آورده است که هیچ کشوری در جهان توانایی پیشی گرفتن از آن را ندارد. در همین راستا اوباما به منظور کاهش وابستگی کشورهای منطقه آسیای شرقی به چین سیاست‌هایی را به کار گرفت. از جمله این اقدامات پیگیری توافق‌نامه شراکت فراپاسیفیک^۲ جهت افزایش حجم مبادلات اقتصادی با کشورهای منطقه و تنظیم قواعد و اصول تجارت بود. هدف این سیاست تحت فشار قرار دادن چین برای کاهش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه آسیای شرقی در صورت نپذیرفتن قواعد مورد نظر آمریکا بود.

از سوی دیگر در صورت پذیرش و رعایت استانداردهای مورد نظر آمریکا، چین با کاهش تولید و افزایش قیمت صادرات خود روبه‌رو می‌شد؛ زیرا رعایت

1. Yuan: واحد پول رسمی کشور چین

2. Trans-Pacific Partnership

استانداردهای موجود نیازمند به کارگیری فناوری‌های پیشرفته، افزایش دستمزد کارگران، حفظ محیط زیست و کاهش نقش حمایتی دولت چین از بنگاه‌ها بود که موجب افزایش قیمت کالاهای صادراتی می‌گشت؛ بنابراین با اجرای این اقدامات، آمریکا به هدف خود، یعنی کاهش قدرت اقتصادی چین دست می‌یافت. این سیاست که با عنوان «سیاست موازنه مجدد»^۱ از آن یاد شده است در سه سطح «دیپلماتیک»، «اقتصادی» و «امنیتی - نظامی» به دنبال بازپس‌گیری سلطه از دست رفته ایالات متحده در منطقه آسیا-اقیانوسیه و مهار چین به معنای کنترل اعمال قدرت و نفوذ چین در منطقه توسط ایالات متحده پیاده‌سازی شد.

دونالد ترامپ^۲ با آغاز دوران ریاست جمهوری‌اش «سیاست نخست آمریکا»^۳ را مطرح کرد. به اعتقاد وی در طول سال‌ها، آمریکا بیش از اندازه توجه خود را به کشورهای همسایه با سیاست‌های ایالات متحده و مشکلات آن‌ها معطوف نموده است و برای این مسئله هزینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی فراوانی پرداخته است؛ اما در هنگامی که نیاز به حمایت از این کشورها داشته، آن‌ها به اندازه کافی در انجام تصمیمات ایالات متحده و سهم‌شدن در هزینه‌های آن مشارکت نکرده‌اند؛ به همین دلیل در دوران ترامپ سیاست نخست آمریکا که اولویت آن در مرتبه اول رفع دغدغه‌های امنیتی آمریکا و تأمین منافع این کشور بود، در دستور کار قرار گرفت.

ترامپ تراز تجاری منفی^۴ آمریکا در روابط تجاری با سایر کشورها را تهدیدی بزرگ برای امنیت شغلی کارگران آمریکایی و همچنین تجارتی غیرمنصفانه^۵ برای این کشور تلقی می‌کند. به عقیده او در طی سال‌های گذشته به دلیل متعهد بودن آمریکا به تجارت آزاد سیل کالاها و خدمات سایر کشورها وارد

1. Rebalance Policy

2. Donald John Trump

3. America First: سیاست نخست آمریکا به‌طور رسمی در روز تحلیف ریاست جمهوری دونالد ترامپ در شهر واشنگتن تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ مطرح شد.

4. US trade deficit

5. Unfair Trade

ایالات متحده شده است؛ اما در مقابل سایر شرکای تجاری آمریکا با اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه^۱ از ورود کالاها و خدمات آمریکایی به شکل آزاد و گسترده به کشورهایشان جلوگیری کرده‌اند. ترامپ برای حل این مشکل دو راه حل را در دستور کار خود قرار داده است؛ نخست: اعمال تعرفه‌های گمرکی بر کالاها و خدمات کشورهای که به عقیده او تجارت غیرمنصفانه با آمریکا دارند. دوم: انعقاد توافق‌نامه‌های تجاری دوجانبه با شرایط برابر بین آمریکا و تک تک شرکای تجاری این کشور برای کاهش تراز تجاری منفی آمریکا.

در زمینه نظامی نیز ترامپ اولویت خود را در آسیای شرقی بر حل بحران شبه جزیره کره، از طریق اعمال تحریم‌های بیشتر بر کره شمالی، همکاری با چین و روسیه برای متقاعد کردن «کیم جونگ اون»^۲ رهبر کره شمالی برای ازسرگیری مذاکرات و حتی تهدید به حمله نظامی به این کشور قرار داده است. به‌طورکلی می‌توان روندهای جاری در آسیای شرقی که ایالات متحده با آنها روبه‌رو است، عبارت‌اند از:

۱. رشد سریع اقتصادی در منطقه آسیای شرقی که وزن و اهمیت منطقه را در امور جهانی افزایش داده است. اقتصادهای آسیا-اقیانوسیه تولیدکننده بیش از یک چهارم کل تولیدات اقتصاد جهانی هستند و حدود یک سوم از کل تجارت ایالات متحده با این کشورها است.

۲. افزایش قدرت اقتصادی و نظامی چین که الگوهای سرمایه‌گذاری و تجارت منطقه‌ای و جهانی را تغییر شکل داده و تسلط منطقه‌ای ایالات متحده را با چالش مواجه کرده است.

۳. افزایش فعالیت اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده با منطقه آسیای شرقی از زمان پایان جنگ سرد.

۴. کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام عمدتاً بر توسعه اقتصادی تمرکز دارند؛ با این حال برخی از چالش‌های امنیتی در این منطقه می‌تواند ثبات منطقه‌ای

1. protectionism

2. Kim Jong-un

و منافع ایالات متحده را در منطقه آسیای شرقی تهدید کند.

۱-۴. رقابت‌های چین و ژاپن و ادعاهای متناقض در مورد مرزهای دریایی در دریای شرقی چین و بر سر جزایر «دیائویو»^۱ (مطابق نظر دولت چین) یا «سنکاکو»^۲ (مطابق نظر دولت ژاپن).

۲-۴. افزایش توانایی‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی که منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای را با مشکل مواجه می‌سازد و کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده را در منطقه آسیای شرقی تهدید می‌کند و در نهایت به تهدید کره شمالی برای هدف قرار دادن سرزمین اصلی آمریکا با موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای^۳ دارای کلاهک هسته‌ای منتهی می‌شود.

۳-۴. افزایش مناقشات در دریای جنوبی چین (Przystup and Saunders, 2017, PP 1-2).

بر این اساس پرسش مقاله حاضر این است که «سیاست موازنه مجدد اوباما» و «سیاست نخست آمریکا ترامپ» چگونه در جهت منافع آمریکا در آسیای شرقی پیگیری شده است؟ پاسخ به این پرسش این است که «سیاست موازنه مجدد اوباما» با اتخاذ رویکردی چندجانبه‌گرایانه و تمرکز بر جلوگیری از رشد اقتصادی و نظامی چین و با هدف اجماع‌سازی با کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده در آسیای شرقی دنبال شده است. از سوی دیگر سیاست‌های ترامپ با رویکردی یک‌جانبه‌گرایانه در حوزه اقتصاد و چندجانبه‌گرایانه در حوزه‌های نظامی و سیاسی و با تمرکز بر بحران شبه جزیره کره و مشکلات تجاری ایالات متحده و اولویت بخشیدن به منافع ایالات متحده نسبت به سایر کشورهای همسو با سیاست‌های ایالات متحده در این منطقه دنبال می‌شود.

1. Diaoyu

2. Senkaku

3. Nuclear-armed intercontinental ballistic missile

چارچوب نظری

«بوزان»^۱ نقطه آغازین مسئله امنیتی یا موضوع امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند؛ اما بلافاصله تأکید می‌کند که عنوان ذهنی بودن برای امنیت معنای دقیقی نیست و مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود؛ زیرا بازیگران می‌توانند به آن ارجاع دهند و به برخی پدیده‌ها به عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار نمایند که از وضعیت امنیتی تعریف شده و استلزامات آن پیروی نمایند (عبداله خانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲).

مفهوم «تهدید وجودی»^۲ یکی از مباحثی است که در زمینه تهدید مورد توجه مکتب کپنهاگ قرار گرفته است. مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد (عبداله خانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸).

از جمله مباحث مهم در مکتب کپنهاگ، «امنیتی‌سازی»^۳ است. امنیتی‌سازی فرایندی دو مرحله‌ای است که به طور خاص روابط بین بازیگران و مخاطبان را به یکدیگر پیوند می‌زند (Romaniuk & Webb, 2015, P 7). بازیگران امنیتی‌ساز به وسیله اعلان یک موضوع به عنوان تهدید وجودی، آن را امنیتی می‌سازند. در نظریه امنیتی‌سازی هر کسی قادر به انجام حرکت امنیتی‌سازی است، اما در عمل عمده‌ترین بازیگران امنیتی‌ساز، رهبران سیاسی، ادارات، دولت‌ها و گروه‌های فشار هستند (Buzan, Barry & Hansen, 2009, P 214).

از نگاه مکتب کپنهاگ دولت‌ها می‌توانند از برتری‌های اقتصادی خود برای کسب امتیازات سیاسی بهره‌گیرند (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). ارتقای وابستگی برای افزایش تأثیرگذاری به معنای استفاده از ابزار اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاسی است. کشورهای قدرتمند به‌طور مداوم به استفاده از منابع اقتصادی برای گسترش نفوذ و تأثیرگذاری خود اقدام می‌کنند. این اقدامات نه تنها به شکل تجارت و تمهیدات پولی، بلکه از طریق ترتیبات مالی و مساعدت‌ها نیز صورت

1. Buzan

2. Existential Threat

3. Securitization

می‌گیرد (Kirshner, 1998, PP 72- 73). تأثیرگذاری و وابستگی در روابط بین دولتی دربرگیرنده تلاش دولت‌ها برای محدود کردن رفتار دیگر دولت‌ها به وسیله قدرت اقتصادی است (Kirshner, 1998, P 73).

مجموعه امنیتی منطقه‌ای به عنوان زیرساختاری از نظام بین‌الملل، می‌تواند از جنبه «قطبش»^۱ اعم از تک‌قطبی، دوقطبی، سه‌قطبی و چندقطبی تحلیل شود (Buzan & Waever, 2003, P 49). مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای انواع مختلفی نظیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای استاندارد^۲، مجموعه امنیتی منطقه‌ای مرکزگرا^۳، مجموعه امنیتی قدرت بزرگ^۴ و ابرمجموعه‌ها^۵ است. در این تحقیق مجموعه امنیتی منطقه‌ای قدرت بزرگ در نظر گرفته شده است. در چنین مجموعه‌ای قطبش منطقه با بیش از یک قدرت سطح جهانی (درون منطقه‌ای) تعریف می‌شود. چنین مجموعه‌هایی به دو دلیل با دیگر مجموعه‌های امنیتی متفاوت‌اند: نخست اینکه، پویش‌های آن‌ها مستقیماً محاسبات مربوط به توازن در سطح جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دوم اینکه، چون قدرت‌های بزرگ خود درگیر مسائل مجموعه‌های امنیتی منطقه مورد نظرند، انتظار می‌رود پویش‌های امنیتی منطقه مذکور به مناطق هم‌جوار نیز سرایت کند و شدت تعاملات بین منطقه‌ای بیش از حد معمول گردد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ آمیزه‌ای از سطوح منطقه‌ای و جهانی معرفی شده است؛ یعنی ترکیبی از معیارهای اصلی مانند قطبش، الگوهای دوستی و دشمنی، مرزها و تأثیرگذاری نوع ساختار مجموعه امنیتی منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ بر پویش‌های سطح جهانی. از سوی دیگر، در این مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ می‌توانند نقش قوی‌تری را در یک یا چند منطقه مجاور ایفا کنند (عبداله خانی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۱).

-
1. Polarity
 2. Standard RSC
 3. Centered RSC
 4. Great Power RSC
 5. Super Complexes

۱. سیاست اوپاما در قبال آسیای شرقی

دولت اوپاما چرخش به آسیا^۱ یا موازنه مجدد را در پاییز ۲۰۱۱ و اوایل ۲۰۱۲ اعلام کرد. این عبارت به این معناست که آمریکا اولویت‌های خود را از نظر جغرافیایی و عرصه‌های سیاسی به آسیا تغییر می‌دهد (Tsai, 2013, P 15). سیاست چرخش یا موازنه مجدد را افرادی نظیر وزیر امور خارجه سابق «هیلاری کلینتون»^۲ و مشاور سابق امنیت ملی^۳ «تام دانیلون»^۴ نیز دنبال کردند (Tsai, 2013, P 3). اوپاما از به کارگیری این سیاست اهداف متعددی را دنبال می‌کرد. هدف نخست، مهار چین از طریق تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه بوده است. دوم، آمریکا به دنبال بازپس‌گیری نفوذ منطقه‌ای چین در آسیای شرقی بود؛ به‌ویژه تعامل آمریکا با آسه‌آن در این راستا قلمداد می‌شد. سوم ایالات متحده به دنبال ایجاد روابط اقتصادی خاصی در منطقه با هدف حذف بازیگری چین بود که این امر به ایجاد رقابت منطقه‌ای اقتصادی آمریکا با چین در منطقه آسیای شرقی منجر می‌گشت (Gupta, 2014, P 107).

سیاست موازنه مجدد دارای مؤلفه‌هایی کلیدی است که عبارت‌اند از:

۱. استقرار مجدد نیروهای نظامی در آسیا-اقیانوسیه: این مورد شامل جابه‌جایی تجهیزات نظامی از عراق و افغانستان به منطقه آسیا-اقیانوسیه می‌شود. تا سال ۲۰۲۰ در منطقه آسیای شرقی، ۶۰ درصد از نیروی دریایی آمریکا مستقر خواهد شد و ۴۰ درصد دیگر در سایر مناطق باقی می‌مانند.

۲. تلاش برای ایجاد اتحاد و مشارکت راهبردی: در سایه سیاست موازنه مجدد تلاش برای ایجاد اتحاد و در صورت نیاز بازتعریف مجدد پیمان‌های سنتی با کشورهای ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، فیلیپین و تایلند در منطقه در دستور کار قرار دارد. نکته دیگر نزدیک ساختن کشورهای همسوی با سیاست‌های آمریکا و شرکای راهبردی برای همکاری‌های امنیتی در منطقه است. مثلث راهبردی آمریکا-هند-

1. Pivot to Asia

2. Hillary Clinton

3. National Security Adviser

4. Tom Donilon

ژاپن یا چهارضلعی راهبردی آمریکا- ژاپن- هند- استرالیا تحت این راهبرد قابل اشاره است.

۳. معماری راهبردی: ایالات متحده قصد دارد اطمینان حاصل کند که در هر معماری راهبردی در منطقه از قبیل نشست آسیای شرقی و سازمان‌های مرتبط با آسه‌آن، نه آمریکا از آن‌ها جدا می‌ماند و نه تحت نفوذ چین قرار می‌گیرد. آمریکا به دنبال آن است که سازمان‌های منطقه‌ای تصمیم‌گیری‌های خود را در جهت بسط نفوذ آمریکا در منطقه آسیای شرقی سازمان دهند تا اینکه به جایی برای صحبت کردن و تبادل نظر میان بازیگران سنتی منطقه‌ای در جهت رفع مشکلات منطقه آسیای شرقی تبدیل شوند.

۴. تجدید حیات اقتصادی: سیاست موازنه مجدد همچنین به بسط نفوذ اقتصادی آمریکا در منطقه کمک می‌کند. شراکت فراپاسیفیک افزایش چشم‌اندازهای سرمایه‌گذاری و تجاری آمریکا در منطقه را در نظر دارد. هدف مورد نظر، ایجاد فرصت‌ها و فضای اقتصادی برای رقابت با چین و رونق اقتصاد آمریکا از طریق ایجاد سلطه اقتصادی در منطقه آسیای شرقی است (Muni, 2014, PP 10- 11).

به‌طور کلی می‌توان موازنه مجدد را ابتکار سیاسی چندبعدی آمریکا در جهت احیای نفوذ در سطح منطقه آسیای شرقی در نظر گرفت. از لحاظ سیاست‌گذاری، موازنه مستلزم سه مجموعه از طرح‌های امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک است.

۱-۱. ابعاد سیاسی موازنه مجدد

مؤلفه برجسته موازنه مجدد تعمیق تعاملات دیپلماتیک آمریکا با کشورهای منطقه است (Gupta, 2014, P 108). یکی از مؤلفه‌های شاخص این سیاست تعدد سفرهای دیپلماتیک و رسمی به منطقه آسیای شرقی است. تعدد این سفرها به منطقه آسیا-اقیانوسیه به‌طور معنی‌داری بیشتر از دوره نخست ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش بود (Saunders, 2013, P 5).

به‌طور کلی در بعد سیاسی موازنه مجدد، آمریکا به دنبال واگذاری مسئولیت بیشتر به کشورهای همسو با سیاست‌های خود در این منطقه به‌منظور مدیریت

منطقه و کاهش هزینه‌های خود، هماهنگ‌سازی کشورهای همسو با سیاست‌های خود و شرکای منطقه‌ای با مواضع آمریکا، حل اختلاف‌ها با چین از طریق گفت‌وگو، تعامل بیشتر با نهادهای منطقه‌ای برای رسیدن به اهداف و شکل‌دهی معماری منطقه‌ای با محوریت حضور هرچه بیشتر در نهادهای منطقه‌ای است.

۱-۱-۱. همکاری بیشتر با کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا و شرکای منطقه‌ای

یکی از اولویت‌های دولت اوباما تقویت رابطه با کشورهای همسو با سیاست‌های خود از قبیل ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، تایلند و فیلیپین بوده است که وزارت امور خارجه آمریکا از آن‌ها به عنوان تکیه‌گاه‌های سیاست چرخش به آسیا یاد می‌کرد (Tsai, 2013, P 15). اولویت نخست، تقویت تعامل ایالات متحده با کشورهای منطقه به عنوان پایه و اساس نفوذ در منطقه بوده است. ایالات متحده در همکاری با کشورهای همسو با سیاست‌های خود در تلاش برای ایجاد نظم امنیتی پایداری است که در چارچوب آن با ایجاد اعتماد راهبردی بین کشورهای همسو با سیاست‌های خود، امکان برقراری مناسبات نزدیک‌تری را با یکدیگر ایجاد کنند (Campbell & Andrews, 2013, P 3).

۱-۱-۲. افزایش گفت‌وگوها با چین

ایالات متحده و چین شمار بی‌سابقه‌ای از جلسات گفت‌وگو و تبادل نظر را بین دو کشور شامل گفت‌وگوهای راهبردی و اقتصادی دو جانبه بین چین و آمریکا^۱ آغاز کرده‌اند. با وجود اصطکاک‌های مسلم در رابطه چین و آمریکا، گفت‌وگوها بین دو کشور به ایجاد زمینه‌ای برای کاهش سوء تفاهمات کمک کرده است (Campbell & Andrews, 2013, P 4).

۱-۱-۳. تعمیق تعاملات ایالات متحده با نهادهای منطقه‌ای

برخی از انجمن‌های منطقه‌ای نظیر اجلاس شرق آسیا با دستور کاری شامل موضوعات متنوع فعالیت می‌کنند. نهادهایی که در آسیای شرقی در زمینه موضوعات امنیتی فعالیت می‌کنند، عبارت‌اند از: انجمن منطقه‌ای آسه‌آن، جلسه

1. The bilateral U.S.-China Strategic and Economic Dialogue

تلاشی در راستای عقب راندن نفوذ چین در آسیا-اقیانوسیه است. این گفت‌وگوها نشان‌دهنده توجه آمریکا بر همکاری با کشورهای همسوی با سیاست‌های خود برای انجام دیپلماسی منطقه‌ای مورد نظر آمریکا در آسیا است (Tsai, 2013, PP 11- 12).

در حال حاضر رابطه بین سه کشور آمریکا، استرالیا و ژاپن به سه شکل زیر قابل ترسیم است:

۱. تلاش برای ایجاد اتحاد دوجانبه رسمی آمریکا-ژاپن و آمریکا-استرالیا؛
۲. رابطه ویژه ژاپن - استرالیا؛
۳. رابطه امنیتی سه‌جانبه در حال گسترش (Sahashi, 2015, P 91).

۲-۱. ابعاد اقتصادی موازنه مجدد

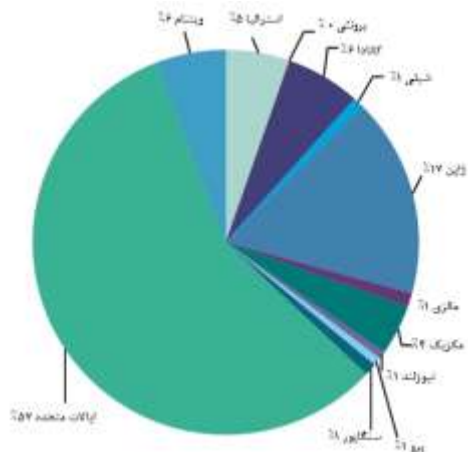
به احتمال زیاد قبل از ۲۰۳۰، اقتصاد چین از آمریکا پیش خواهد افتاد و به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد ((Gupta & Shrivastav, 2014, P 18). بر این اساس رشد سریع اقتصادی چین و وابستگی اقتصادی کشورهای آسیای شرقی به آن از جمله نگرانی‌های آمریکا است. آمریکا از رشد چین به‌عنوان موتور محرک اقتصاد بین‌المللی استقبال می‌کند؛ اما نگران است که در سال‌های آینده این کشور از آمریکا نیز در زمینه تولید ناخالص داخلی فراتر برود؛ بنابراین با افزایش تعاملات اقتصادی خود با منطقه آسیای شرقی به دنبال برهم زدن تعاملات منطقه‌ای موجود است.

۱-۲-۱. شراکت فراپاسیفیک

پیدایش شراکت فراپاسیفیک به دهه ۹۰ برمی‌گردد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، شیلی و نیوزیلند دو دور مذاکره برای انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد برگزار کردند، هرچند در نهایت تصمیمی برای پیگیری آن نگرفتند. در همین حال نیوزیلند و سنگاپور در سال ۲۰۰۰ توافق‌نامه تجارت آزاد را با یکدیگر به امضا رساندند (Hamanaka, 2014, P 5). قرارداد اصلی میان چهار کشور بروئی، شیلی، نیوزیلند و سنگاپور در سوم ژوئن ۲۰۰۵ امضا شد (Wen, 2012, P 1). در نوامبر ۲۰۰۹، دولت جدید اواما

به شرکت در مذاکرات شراکت فراپاسیفیک علاقه نشان داد (Wen, 2012, P 3).

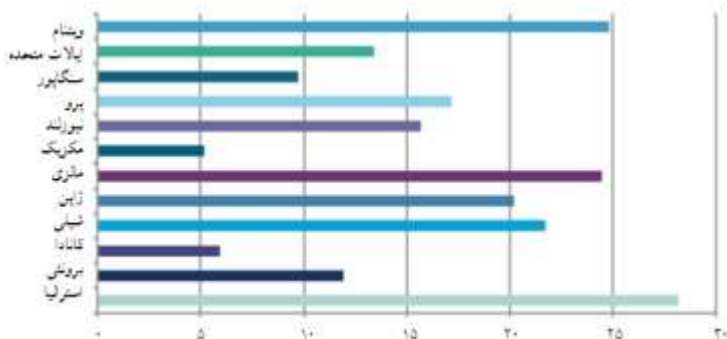
نمودار ۱. سهم اعضا از مجموع تولید ناخالص داخلی شراکت فراپاسیفیک



منبع: Adrian H. Hearn and Margaret Myers, "China and The TPP: Asia- Pacific Integration or Disintegration?", July 2015, p. 3.

هم‌اکنون چهار کشور اصلی اولیه (سنگاپور، نیوزیلند، شیلی و برونئی) به همراه هشت عضو دیگر (استرالیا، کانادا، ژاپن، مالزی، مکزیک، پرو، آمریکا و ویتنام) در این قرارداد هستند. این کشورها تقریباً ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و یک‌سوم تجارت جهان به حساب می‌آیند (Hearn & Myers, 2015, P 2).

نمودار ۲. تجارت اعضای شراکت فراپاسیفیک با چین از نظر درصدی از حجم کل تجارت کشورها



منبع: Adrian H. Hearn & Margaret Myers, "China and The TPP: Asia- Pacific Integration or Disintegration?", July 2015, p. 4.

۱-۲-۲. افزایش مناسبات اقتصادی ایالات متحده با منطقه آسیا - اقیانوسیه

آمریکا با درک این موضوع که منطقه آسیای شرقی دارنده سریع‌ترین رشد اقتصادی جهان است، خواستار تعامل اقتصادی بیشتر با منطقه بود. آمریکا به دنبال مناسبات اقتصادی گسترده با اقتصادهای توسعه‌یافته سطح بالا نظیر ژاپن و سنگاپور و همچنین اقتصادهای در حال توسعه مانند میانمار و اندونزی است. در سال ۲۰۱۱، آمریکا خواست اصلی خود را از آپک، تسهیل ادغام اقتصادی آسیا-اقیانوسیه اعلام کرد. همچنین توافق تجاری آزاد بین آمریکا و کره جنوبی با حذف تعرفه‌های ۹۵ درصدی از مصرف‌کنندگان آمریکا و صادرات صنعتی به مدت پنج سال به تصویب رسید (Campbell & Andrews, 2013, P 5).

۱-۳-۱. ابعاد امنیتی - نظامی موازنه مجدد

ایالات متحده چهار دلیل عمده را برای افزایش حضور خود در منطقه آسیای شرقی مطرح می‌کند. به اعتقاد آمریکایی‌ها، افزایش قدرت چین و نوسازی ارتش این کشور، دسترسی این کشور را به نواحی مورد نظر خود در منطقه محدود می‌کند و همچنین تهدیدی برای کشورهای همسایه آسیای شرقی است. آمریکا در منطقه تلقی می‌شود. دومین عاملی که آمریکایی‌ها برای افزایش حضور خود در منطقه آسیا-اقیانوسیه عنوان می‌کنند، افزایش اقدامات کره شمالی است که از دید آن‌ها صلح و ثبات منطقه را بر هم می‌زند (Mahnken, 2012, P 3). ایالات متحده دفاع از بخش‌هایی از سرزمین خود را که در مجاورت منطقه قرار دارد، شامل هاوایی، آلاسکا، گوام و جزایر ماریانای شمالی^۳ یکی از علل حضور نظامی خود در این منطقه ذکر می‌کند. علت چهارم نیز دفاع از کشورهای همسایه با سیاست‌های خود بر طبق معاهدات امضا شده با آن‌ها است (Mahnken, 2012, P 6).

۱-۳-۱. تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه

در محدوده منطقه آسیا-اقیانوسیه، آمریکایی‌ها تأکید کمتری بر پایگاه‌های دائمی

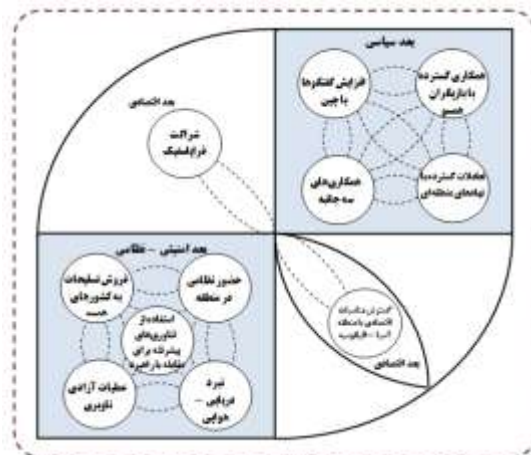
1. Hawaii
2. Alaska
3. The Northern Mariana Islands

داشته، بیشتر بر استقرار نیروها به صورت چرخشی تمرکز دارند که به آن کشور اجازه می‌دهد، عملیات و تمرینات نظامی را با متحدان و شرکای خود انجام دهد. ایالات متحده تلاش کرده است تا روابط با کشورهای همسو با سیاست‌های خود را در منطقه با تأکید بیشتری بر فیلیپین و تایلند، تقویت و بازسازی کند. این در حالی است که آمریکا در حال افزایش توافق‌نامه‌های نظامی با بروئی، هند، اندونزی، مالزی، سنگاپور، ویتنام و دیگر شرکای خود است (Saunders, 2013, P 9).

۱-۳-۲. افزایش فروش تسلیحات آمریکایی به متحدان منطقه‌ای

از دید آمریکا، چین به عنوان قدرتی منطقه‌ای به دنبال اصلاحات تدریجی در نظم منطقه است. آمریکا نیز برای پاسخ به این تهدید، کشورهای همسو با سیاست‌های خود را در منطقه به قابلیت‌های تهاجمی مجهز کرده، از طریق فروش تسلیحات به کشورهای همسو با سیاست‌های خود در منطقه آسیای شرقی تلاش می‌کند، بازدارندگی آنان را افزایش دهد (Grygiel, 2015, PP 39- 40). با این اقدام، به دلیل بر عهده گرفتن هزینه‌های نظامی توسط کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا هم اجرای سیاست‌های این کشور کم‌هزینه‌تر خواهد شد و هم سود اقتصادی ناشی از فروش تسلیحات نصیب آن می‌شود.

شکل ۲. رویکرد سیاست خارجی اوباما در منطقه آسیای شرقی



طراحی بر اساس یافته‌های تحقیق

۲. سیاست ترامپ در قبال آسیای شرقی

ترامپ با بهره‌گیری از استراتژیست‌ها و مشاورهای خود با ارزیابی دقیق منطقه آسیای شرقی به پیاده‌سازی سیاست‌های خود در منطقه اقدام کرده است. اتخاذ سیاست «نخست آمریکا» با ابهاماتی برای سایر کشورها از جمله کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا همراه بوده است. وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی خود در راستای شفاف‌سازی این موضوع اظهار داشت که سیاست «نخست آمریکا» صرفاً به تمرکز بیشتر بر امنیت ملی و رونق اقتصادی آمریکا تمرکز کرده است (Larres, 2017, P 9).

در جریان ملاقات در فلوریدا، آمریکا و چین بر یک طرح ۱۰۰ روزه برای مذاکرات تجاری و افزایش صادرات ایالات متحده به چین توافق کردند که به کاهش تراز تجاری منفی ۳۴۷ میلیارد دلاری آمریکا در تجارت با چین کمک می‌کند. چین اظهار داشته است که از چنین برنامه‌هایی استقبال می‌کند؛ چرا که به این کشور اجازه می‌دهد تا تورم خود را بهتر کنترل کند. همچنین برای جلوگیری از جنگ تجاری با آمریکا، چین ممنوعیت صادرات گوشت گاو ایالات متحده به این کشور را که در سال ۲۰۰۳ اعلام شده بود، لغو کرد. (Larres, 2017, PP 14-15). این دو کشور همچنین توافق کردند تا گفت‌وگوی جامع بین‌المللی چین - آمریکا^۱ را در چهار حوزه دیپلماسی و امنیت، اقتصاد، اجرای قانون و امنیت سایبری ایجاد کنند. این گفت‌وگوهای جدید جایگزین «گفت‌وگوی استراتژیک و اقتصادی» بین چین و آمریکا است که اوپاما شکل‌دهنده آن بوده است (Larres, 2017, P 15). در جریان سفر ترامپ به چین نیز که در نوامبر ۲۰۱۷ صورت گرفت، «شی» و ترامپ، ۱۵ سند تجاری به ارزش ۲۵۳,۵ میلیارد دلار به امضا رساندند که گامی مهم در راستای ارتقای همکاری‌های تجاری دو کشور بود. این توافقات بیشتر مبتنی بر بخش انرژی و همچنین خرید تراشه‌ها و دانه‌های سویای آمریکا توسط چین بود. ترامپ چین را متقاعد ساخته تا برای متوقف ساختن آزمایش‌های موشکی اتمی و بالستیک این کشور فشارهای اقتصادی بیشتری بر

1. U.S.-China Comprehensive Dialogue

کره شمالی وارد کند. با وجود تمام این توافقات، اختلاف نظر در دریای چین جنوبی هنوز ادامه دارد و تاکنون دولت ترامپ به سادگی از این مسئله چشم‌پوشی کرده است. بخش دیگر توافق تجاری جدید در ۱۲ مه ۲۰۱۷ بین ترامپ و چین، موافقت آمریکا با فرستادن «متیو پوتینجر»^۱، مدیر شورای امنیت ملی، به نشست کمربند- راه در پکن بوده است (Larres, 2017, PP 16- 17).

۱-۲. سیاست‌های امنیتی- نظامی ترامپ در آسیای شرقی

ترامپ به دنبال حضور دریایی گسترده‌تر و مؤثرتر ایالات متحده در آسیا-اقیانوسیه برای حفظ وضع موجود در منطقه است در عین حال این حضور با کاهش هزینه‌های ایالات متحده و افزایش کمک‌های مالی کشورهای همسو با سیاست‌های خود صورت می‌گیرد (Gady, Feaver, Ross, & Goldstein, 2017, P 105). بسیاری از کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در منطقه نسبت به نگاه ترامپ در زمینه امنیت خود مطمئن نیستند. آن‌ها در مورد اینکه ترامپ منافع آن‌ها را جدی می‌گیرد، تردید دارند و گمان می‌کنند که ترامپ آماده است برای دستیابی به معامله خوب با چین بر اساس منافع آمریکا، آن‌ها را قربانی کند (Gady, Feaver, Ross, & Goldstein, 2017, P 107). مصالحه بر سر بحران هسته‌ای و موشکی کره شمالی بین چین و ایالات متحده یکی از این نگرانی‌ها برای کشورهای همسو با سیاست‌های آمریکا در آسیا-اقیانوسیه است.

در دولت ترامپ برخلاف دولت اوباما همکاری با چین برای ایالات متحده با توجه به بازیگر جهانی و توانایی تأثیرگذاری بر نهادهای جهانی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی مهم تر تلقی شده است (Przystup & Saunders, 2017, P 28).

- همکاری با هند برای ایجاد موازنه با چین: ترامپ مانند اوباما به دنبال مواجهه علنی با چین نیست؛ زیرا برای حل بحران کره شمالی، حل مشکل تراز تجاری منفی ایالات متحده با چین، به این کشور نیازمند است. در این منظر هند برای مقابله با چین از سوی آمریکا مناسب به نظر می‌رسد. با این حال گزینه‌های

1. Matthew Pottinger

هند برای ایجاد توازن در مقابل چین اندک است. بودجه دفاعی چین حداقل چهار برابر هند و زیرساخت‌های چین در تبت بسیار گسترده‌تر از هند است و اقدام نظامی احتمالی چین در نواحی مرزی مورد مناقشه در مقابل هند را تسهیل می‌کند. برای ایجاد توازن با چین، هند در حال ارتقای روابط دفاعی خود با دیگر کشورهای آسیایی است. هند همچنین در حال توسعه همکاری‌های سه‌جانبه با ژاپن و استرالیا است که هدف اصلی آن تقویت روابط دفاعی میان سه کشور با تمرکز بر چین است. هند در حال گسترش همکاری‌های دفاعی با ویتنام و سنگاپور نیز است (Rajagopalan, 2017, P 40).

- بحران موشکی و هسته‌ای کره شمالی: چین نزدیک‌ترین کشور به کره شمالی و بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده غذا، سوخت و ماشین‌آلات صنعتی به این کشور است. از نظر آمریکا، چین در زمینه‌هایی نظیر توقف برنامه‌های موشکی بالستیک، جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای و اعمال تحریم‌های اقتصادی در مورد کره شمالی از نقشی اساسی برای کمک به آمریکا برخوردار است. چین همچنین با عضویت در شورای امنیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، در زمینه کره شمالی نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند. تمایل اولیه چین، ثبات در شبه‌جزیره کره است که در تضاد با منافع ایالات متحده، یعنی خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی است. آمریکایی‌ها همچنین نسبت به اجرای تحریم‌های سازمان ملل در مورد کره شمالی از سوی چین مشکوک هستند (Nanto & Manyin, 2010, PP 1-2).

نگرانی چین در مورد اقدامات ایالات متحده در زمینه فروش تسلیحات به تایوان و ایجاد تنش در منطقه است. «تیموتی کیتینگ»^۱ در اکتبر ۲۰۰۷ فرماندهی فرماندهی آسیا-اقیانوسیه ارتش ایالات متحده در کنفرانس روابط آمریکا-چین سه نکته را در رابطه با راهبرد چین عنوان کرد: ۱- ایالات متحده به دنبال حفظ برتری نظامی فعلی خود در مقابل چین است. ۲- خواست آمریکا از طریق فروش تسلیحات این است که توازن نظامی بین تایوان و چین حفظ شود. ۳- ایالات متحده به چین اجازه نخواهد داد با اجبار و زور، ثبات را در تایوان تغییر دهد

1. Timothy Keating

(Layne, 2008, P 16). ترامپ با دنبال کردن این راهبرد برای ترغیب کره شمالی به مذاکره سعی در افزایش فشار به چین دارد. پس از رویکرد منفعلانه چین در قبال مسئله هسته‌ای کره شمالی، در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷، دولت ترامپ تحریم‌هایی را بر «بانک دندونگ چین»^۱ اعلام کرد. بر طبق ادعاها این بانک با کره شمالی روابط مالی داشته است. همچنین ایالات متحده دور جدیدی از فروش تسلیحات را به ارزش ۱,۴۲ میلیارد دلار به تایوان آغاز کرد؛ اقدامی که موجب تحریک و نارضایتی چین شد (Ming, 2017, P 31).

۲-۲. سیاست‌های اقتصادی ترامپ در آسیای شرقی

اقتصاد ایالات متحده با نرخ رشد بسیار کندی به جلو می‌رود و صرف بودجه برای رفاه اجتماعی، امکان اختصاص آن به بخش‌های دفاعی را محدود کرده است. علاوه بر این کسری‌های برجسته جاری در اقتصاد آمریکا، اختصاص مخارج کسری را به هزینه‌های دفاعی مشکل‌تر کرده است. در همین حال پنتاگون پس از ۲۰ سال برنامه پرهزینه و ناکارآمدی را در زمینه تولید تسلیحات آغاز کرده است. حقوق بالا و همچنین تخصیص مزایا به سربازان از دیگر هزینه‌های سنگین بر دوش دولت ترامپ است (Gady, Feaver, Ross, & Goldstein, 2017, P 107).

از سوی دیگر رشد اقتصادی چین، الگوهای تجاری و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را تغییر و نفوذ این کشور را بسیار افزایش داده است. چین در حال حاضر نخستین بازار صادراتی برای تمام کشورهای منطقه است و به طور چشمگیری سرمایه‌گذاری خارجی خود را در سراسر آسیا گسترش داده است. چین در حال حاضر توافق‌نامه تجارت آزاد با کشورهای آسه آن دارد و به همراه کره جنوبی و ژاپن در حال پیش بردن توافق‌نامه تجاری شراکت اقتصادی جامع منطقه‌ای^۲ است. کمک‌های خارجی و پروژه‌های زیربنایی چین در سراسر آسیا با عنوان کمربند-راه یکی دیگر از منابع نفوذ چین است (Przystup & Saunders, 2017, P 9).

ترامپ در ماه‌های اول ریاست جمهوری خود تصمیم گرفت از شراکت

1. China's Bank of Dandong

2. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

فراپاسیفیک خارج شود؛ اما این اقدام علاوه بر اختلافات تجاری قبلی بین ایالات متحده و چین، اختلافات تجاری دیگری را با کشورهای عضو در این توافق نامه ایجاد می کند (Gady, Feaver, Ross, & Goldstein, 2017, P 109). تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از شراکت فراپاسیفیک تأثیر اقتصادی جهانی ایالات متحده را تضعیف کرده است (Xie, 2017, P 11). ترامپ به جای توافق نامه های تجاری چند جانبه خود را متعهد به مذاکرات تجاری دوجانبه می داند. با توجه به اینکه ترامپ وضع تعرفه های جدید در تجارت با کشورهایی را در دستور کار دارد که روابط تجاری آمریکا با آنها را غیرمنصفانه می داند، انعقاد توافق نامه دوجانبه نیز بین ایالات متحده و سایر کشورها بسیار سخت به نظر می رسد (Gady, Feaver, Ross, & Goldstein, 2017, P 104). یکی از بزرگ ترین مشکلات اقتصادی پیش روی ترامپ تراز تجاری منفی آمریکا در تجارت با سایر کشورها است. تراز تجاری منفی ۳۴۷ میلیارد دلاری آمریکا در تجارت با چین از جمله بزرگ ترین کسری تجاری آمریکا در بین شرکای تجاری آمریکا است. در جدول شماره ۱ تجارت آمریکا با چین از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۷ به همراه تراز تجاری دو کشور در این دوره زمانی مشخص شده است.

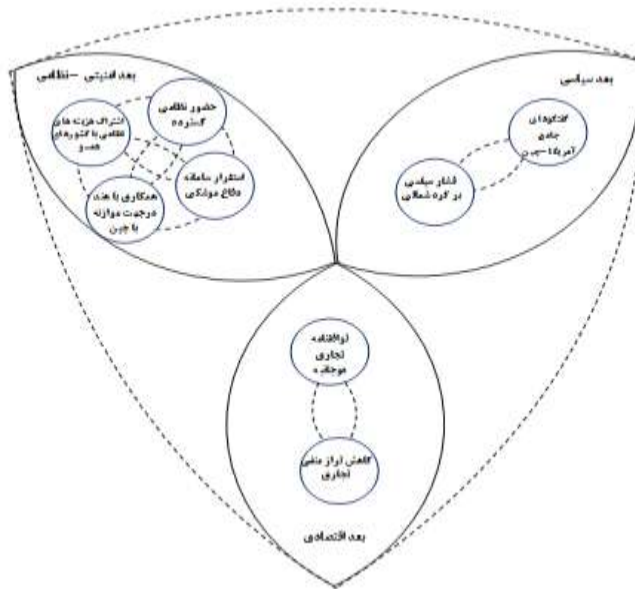
جدول ۱. تجارت آمریکا با چین ۱۹۸۰-۲۰۱۶ و پیشینی سال ۲۰۱۷ (میلیارد دلار)

سال	صادرات آمریکا	واردات آمریکا	تراز تجاری
۱۹۸۰	۳.۸	۱.۱	+۲.۷
۱۹۹۰	۶.۸	۱۵.۲	-۱۰.۴
۲۰۰۰	۱۶.۳	۱۰۰.۱	-۸۳.۸
۲۰۱۰	۹۱.۹	۲۴۵.۰	-۱۵۳.۰
۲۰۱۱	۱۰۴.۱	۳۹۹.۶	-۲۹۵.۵
۲۰۱۲	۱۱۰.۵	۴۲۵.۶	-۳۱۵.۱
۲۰۱۳	۱۲۱.۷	۴۴۰.۴	-۳۱۸.۷
۲۰۱۴	۱۲۳.۶	۴۶۸.۵	-۳۴۴.۹
۲۰۱۵	۱۱۶.۱	۴۸۳.۲	-۳۶۷.۱
۲۰۱۶	۱۱۵.۸	۴۶۲.۸	-۳۴۶.۰
۲۰۱۷	۱۲۳.۹	۵۰۱.۶	-۳۷۷.۷

Wayne M. Morrison, "China-U.S. Trade Issues", Congressional Research Service, 2017, P.2.

ترامپ امیدوار است با انجام مذاکرات گسترده و فراگیر با چین، تراز تجاری منفی را از طریق اجازه چین برای صادرات کالاها و خدمات آمریکایی به صورت آزادانه تر به این کشور کاهش دهد.

شکل ۳. رویکرد سیاسی خارجی ترامپ در منطقه آسیای شرقی



طراحی بر اساس یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

دو جنگ آمریکا در عراق و افغانستان و اثرات منفی آن بر اقتصاد این کشور سبب شد تا اوباما سازوکار جدیدی را در ارتباط با کشورهای همسوی با سیاست‌های ایالات متحده تنظیم کند. اوباما با در نظر گرفتن کشورهای تأثیرگذار در نظام بین‌الملل که توانایی به چالش کشیدن سیاست‌های آمریکا و تغییر نظم موجود در نظام بین‌الملل را دارند، به تمرکز بر آن‌ها پرداخت. در رابطه جدید میان آمریکا و کشورهای همسوی با سیاست‌های خود، سهم این کشورها در حفظ نظم منطقه‌ای بالاتر رفت. کشورهای همسوی با سیاست‌های آمریکا علاوه بر پرداخت هزینه‌های امنیتی بیشتر باید در راستای حفظ وضع موجود نقش فعالانه‌تری را در منطقه ایفا کنند. اوباما با در نظر گرفتن قالب مطرح و فهمیدن این موضوع که چین بیشترین توانایی و ظرفیت را برای تغییر نظم در نظام بین‌الملل دارد، سیاست موازنه مجدد خود را در منطقه آسیای شرقی اجرایی کرد. هدف او مدیریت منطقه به دست خود

منطقه با حمایت آمریکا بود.

در بعد سیاسی، اوپاما با افزایش تعامل خود با منطقه، گسترش همکاری با کشورهای همسو با سیاست‌های خود و تشکیل نشست‌های مشترک با مقامات کشورهای منطقه به طور منظم، سعی در افزایش نقش ایالات متحده در ترتیبات منطقه‌ای آسیای شرقی داشته است. در بعد اقتصادی، اوپاما معتقد بود که چین با حمایت‌های دولتی از تجارت خود و اقداماتی نظیر کاهش ارزش یوان برای پایین آوردن قیمت صادرات خود، رعایت نکردن استانداردهای محیط زیستی و حقوق کارگران در عمل رقابتی را به وجود آورده که هیچ کشوری در جهان توانایی پیروزی در آن را ندارد. در همین راستا اوپاما برای کاهش وابستگی کشورهای منطقه به چین تدابیری را به کار گرفت؛ از جمله این اقدامات افزایش حجم مبادلات اقتصادی با کشورهای منطقه و تنظیم قواعد و اصول تجارت با ایجاد شراکت فراپاسیفیک بود. چین در صورت نپذیرفتن این قواعد با کاهش مناسبات اقتصادی خود با منطقه و در صورت پذیرش و رعایت استانداردهای آن با کاهش تولید و افزایش قیمت صادرات خود روبه‌رو می‌شد؛ زیرا رعایت استانداردهای موجود نیازمند به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، افزایش دستمزد کارگران، حفظ محیط زیست و کاهش نقش حمایتی دولت از بنگاه‌ها بود که موجب افزایش قیمت کالاهای صادراتی می‌شد؛ بنابراین با اجرای این اقدامات، اوپاما به هدف خود یعنی کاهش قدرت اقتصادی چین دست می‌یافت.

در بعد امنیتی - نظامی، اوپاما با زیر سؤال بردن اقدامات چین نظیر ساخت جزایر مصنوعی، ادعاهای سرزمینی در دریای چین جنوبی و شرقی، افزایش بودجه دفاعی چین، نوسازی نیروی دریایی چین و به‌کارگیری سامانه‌های موشکی پیشرفته، آن‌ها را اقداماتی در راستای به‌چالش کشیدن آمریکا در منطقه در نظر گرفت. در این زمینه، اوپاما به ایجاد معماری امنیتی جدید خود با ویژگی‌هایی نظیر افزایش ناوگان نظامی، حمایت و تجهیز متحدان، عملیات آزادی ناوبری، به‌کارگیری سامانه‌های ضد موشکی پیشرفته و ایجاد فضای امنیتی ضد منافع چین در منطقه پرداخت.

آمریکا با این اقدامات نظم منطقه‌ای را به سوی افزایش هزینه برای چین و کاهش تأثیرگذاری بر نظم موجود در نظام بین‌الملل سوق داده است. دونالد ترامپ نیز همچنان بر حضور سیاسی و دیپلماتیک گسترده در نهادهای منطقه‌ای به صورت دوجانبه و چندجانبه تأکید دارد. در بعد امنیتی - نظامی، ترامپ با اولویت قرار دادن کره شمالی که به فناوری موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای با توانایی حمل کلاهک هسته‌ای دست یافته است، سعی دارد تا با تهدید نظامی، برگزاری مانورهای گسترده نظامی به همراه کره جنوبی و ژاپن، انتقال ناوهای هواپیمابر و زیردریایی‌های اتمی استراتژیک خود به منطقه، اعمال تحریم‌ها و همکاری با روسیه و چین برای متقاعدسازی کره شمالی برای ازسرگیری مذاکرات به حل و فصل این بحران بپردازد.

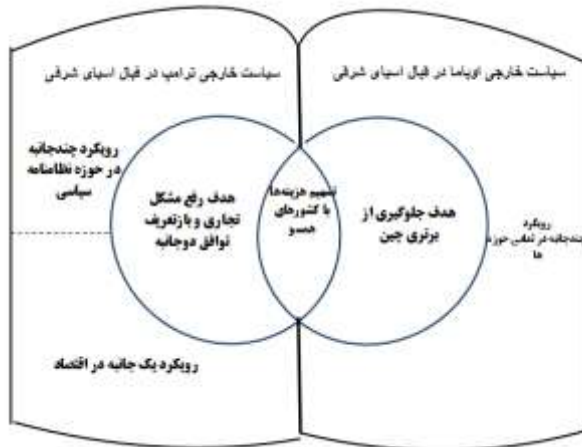
ترامپ در بعد اقتصادی مانند اوباما به کمرنگ تر کردن نقش چین در تجارت منطقه‌ای اعتقاد چندانی ندارد؛ بلکه خواهان بازتعریف توافق‌نامه‌های تجاری ایالات متحده با کشورهای منطقه برای شکل دهی مجدد به قواعد تجاری دوجانبه در جهت از بین بردن کسری تراز تجاری ایالات متحده با شرکای تجاری خود است. از دید ترامپ شراکت فراپاسیفیک که در دوره ریاست جمهوری اوباما شکل گرفت، به افزایش کسری تراز تجاری ایالات متحده با کشورهای حاضر در این توافق‌نامه منجر خواهد شد؛ زیرا کالاهای کشورهای آسیایی به‌طور گسترده وارد آمریکا خواهد شد و به شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور آسیب خواهد زد. علاوه بر این شرکت‌های آمریکایی که فناوری بالایی ندارند، نمی‌توانند در بازارهای کشورهای عضو توافق‌نامه سهمی داشته باشند.

به‌طور کلی تمرکز اوباما در موضوعات امنیتی آسیای شرقی بر جلوگیری از قدرت گرفتن بیشتر چین، احیای موقعیت پیشین ایالات متحده در منطقه و بازتعریف اتحادهای خود با منطقه بود؛ اما ترامپ تمرکز اصلی خود را بر حل بحران هسته‌ای و موشکی کره شمالی با همکاری بیشتر با چین و روسیه قرار داده است. سازوکار اوباما برای مشارکت در منطقه آسیای شرقی بیشتر بر چندجانبه‌گرایی و همکاری بیشتر با متحدان آمریکا استوار بوده است؛ اما ترامپ

در بعد اقتصادی یک جانبه گرایی و در بعد نظامی - امنیتی چندجانبه گرایی را بیشتر پیگیری می‌کند. سیاست اقتصادی او باما عمدتاً بر توافق نامه تجاری چندجانبه برای شکل دهی به قواعد اقتصادی و تجاری در منطقه با محوریت ایالات متحده و کاهش نقش چین استوار بوده و ترامپ تمرکز خود را بر ایجاد توافق نامه های تجاری منصفانه دوجانبه با هدف کاهش تراز تجاری منفی آمریکا در تجارت با شرکای خود قرار داده است.

او باما و ترامپ در یک مسئله نقطه اشتراک دارند و آن تسهیم هزینه های سیاست خارجی با متحدان ایالات متحده است. به باور او باما وقتی منافع حیاتی آمریکا در خطر نیست، بقیه کشورها باید مسئولیت بیشتری را متقبل شوند. بر اساس این نوع نگاه ایالات متحده باید از مداخله مستقیم نظامی اجتناب کند، مگر در شرایطی که منافع حیاتی آن در معرض تهدید باشد! آمریکا باید به مناقشاتی که اهمیت چندانی ندارند وارد نشود، از مداخلات بشردوستانه پرهزینه دوری کند و دیگر کشورها را تشویق کند تا مسئولیت قبول کنند و همیشه به یاد داشته باشد هزینه های یک اقدام از منافع آن فراتر نرود (محمدزاده ابراهیمی، ملکی و امام جمعه زاده، ۱۳۹۵، صص ۹۱-۹۲).

شکل ۴. بررسی سیاست خارجی او باما و ترامپ در قبال منطقه آسیای شرقی



طراحی بر اساس یافته های تحقیق

منابع

- بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس. چ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۵). تجدید توازن: استراتژی کلان ایالات متحده در دوره اوباما. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال یازدهم. (۳). صص ۷-۵۰.
- طباطبایی، سید محمد. قیاسی، امیر (۱۳۹۲). راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۰۸-۲۰۱۲) بر اساس تئوری موازنه نرم. فصلنامه مطالعات سیاسی - اجتماعی جهان. ۳ (۲).
- عبداله خانی، علی (۱۳۹۲). نظریه‌های امنیت. چ دوم. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. ملکی، محمدرضا. امام‌جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۵). سیاست خارجی آمریکا در پرتو راهبرد محور آسیایی دولت اوباما. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۹ (۳۳). صص ۷۹-۱۰۴.
- An, Baijie (2017), "Leaders shepherd \$253.5b in deals", CHINA DAIY, Available at: http://www.chinadaily.com.cn/world/2017-11/10/content_34343129.htm
- Buzan, Barry & Hansen, Lene (2009), "The Evolution of International Security Studies", Cambridge University Press, First Published, New York.
- Buzan, Barry & Waeber, Ole (2003), "Regions and Powers (The Structure of International Security)", Cambridge University Press, First Published, New York.
- Campbell, Kurt & Andrews, Brian (2013), "Explaining the US 'Pivot' to Asia", The Asia Group Chatham House, August.
- Chadha, Vivek (2014), "Military Implications of the US Rebalancing Strategy", Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses (Pentagon Press), First

Published, New Delhi.

- Economy, Elizabeth (2016), "Objectives and Future Direction for Rebalance Economic Policies", **Council on Foreign Relations**, 31 March.
- Gady, Franz- Stefan, Feaver, Peter, Ross, Robert & Goldstein, Avery (2017), "President Trump's Strategy for Asia Expert Perspectives", **Georgetown Journal of Asian Affairs**, Spring.
- Grygiel, Jakob (2015), "Countering Gray-Zone Wars; Arming Our Allies: The Case for Offensive Capabilities", **Parameters**, 4 (3).
- Gupta, Arvind & Shrivastav, Sanjeev K. (2014), "**Evolution of US Rebalancing Strategy: Implications for India**", Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses (Pentagon Press), First Published, New Delhi.
- Gupta, Rukmani (2014), "**US Pivot to Asia and China: Rhetoric, Responses and Repercussions**", Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses (Pentagon Press), First Published, New Delhi.
- Hamanaka, Shintaro (2014), "Trans- Pacific Partnership Versus Regional Comprehensive Economic Partnership: Control of Membership and Agenda Setting", **Asian Development Bank (ADB Working paper Series on Regional Economic Integration)**, No. 146. December.
- Hearn, Adrian H. & Myers, Margaret (2015), "China and The TPP: Asia-Pacific Integration or Disintegration? (China and Latin America Report)", **The Dialogue**, July.
- Jimbo, Ken (2015), "Japan- US- Australia Cooperation on Capacity Building in Southeast Asia", US- Japan- Australia Security Cooperation Prospects and Challenges, **Stimson Center**, Washington. DC, April.
- Kirshner, Jonathan (1998), "Political Economy in Security Studies after the Cold War", **Review of International Political Economy**, Vol. 5, No. 1. Spring.
- Layne, Christopher (2008), "China's Challenge to US Hegemony", **Current History**, January.
- Larres, Klaus (2017), "Donald Trump and America's Grand Strategy: U.S. foreign policy toward Europe, Russia and China", Global Policy, **Institute for Advanced Study in Princeton**, May.
- Mahnken. et al, Thomas G. (2012), "Asia in the Balance Transforming US

- Military Strategy in Asia”, **A Project of the American Enterprise Institute**, June.
- Ming, Lee 2017, ” Taiwan in Trump’s Perspective: A Bargaining Chip?”, Asia Policy 24, **The National Bureau of Asian Research**, July.
- Morrison, Wayne M. (2017),”China- U.S. Trade Issues”, **Congressional Research Service**, August.
- Muni, S.D. (2014),”**US Pivot and Asian Security**”, Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security), Institute for Defence Studies & Analyses (Pentagon Press), First Published, New Delhi.
- Muni, S.D. & Chadha, Vivek (EDs.) (2014), **Asian Strategic Review (US Pivot and Asian Security)**, Institute for Defense Studies & Analyses (Pentagon Press), First Published, New Delhi.
- Nanto, Dick K. & Manyin, Mark E. (2010), “China- North Korea Relations”, **Congressional Research Service**, 28 December.
- Przystup, James J. & Saunders, Phillip C. (2017),” Asia and the Trump Administration: Challenges, Opportunities, and a Road Ahead”, **Institute for National Strategic Studies**, Strategic Perspectives, No. 26, June.
- Rajagopalan, Rajesh (2017),”U.S.- India Relations under President Trump: Promise and Peril”, Asia Policy 24, **The National Bureau of Asian Research**, July.
- Romaniuk, Scott Nicholas & Webb (2015), Stewart Tristan, “Extraordinary Measures: Drone Warfare, Securitization, and the “War on Terror””, **Global Security Studies**, 6 (2),.
- Sahashi, Ryo (2015),“Australia, Japan, and US Trilateral Cooperation in the Regional Security Architecture”, US- Japan- Australia Security Cooperation Prospects and Challenges, **Stimson Center**, Washington. DC, April.
- Saunders, Phillip C. (2013), “The Rebalance to Asia: U.S.- China Relations and Regional Security”, **Institute For National Strategic Studies**, No. 281, August.
- Tatsumi, Yuki (2015), “US- Japan- Australia Cooperation in Defense Equipment: Untapped Potential or a Bridge Too Far?”, US- Japan- Australia Security Cooperation Prospects and Challenges, **Stimson Center**, Washington. DC, April.

- Tsai, Sabrina (2013), "Obama's Second Term in the Asia- Pacific Region Reflecting on the Past, Looking to the Future", **Project 2049 Institute**, September.
- Wen, Jin Yuan (2012), "The Trans- Pacific Partnership and China's Corresponding Strategies", **Center for Strategic and International Studies (CSIS)**, June.
- Xie, Tao (2017), "China- U.S. Relations during the Trump Administration: Mixed Signals, Increased Risks", Asia Policy 24, **The National Bureau of Asian Research**, July.